

تشدید بحران درونی هیئت حاکمه وباخت بنی صدر

نقشه تسخیر کامل قدرت دولتی را طرح ریزی کرده و قدم بدمدم آنرا به اجرا درمیآورد. این حرب و جناحهای مفاصل آن اگرچه تاکنون سعی داشته‌اند که این احتیالات به سببی گسست در واقعیت حربان دارد به بیرون درر بیدانکند و "وحدت کلمه" حفظ شود، لیکن روس است که همسند در این مورد موقعیت بدست می‌آوردند. گاه این مجادلات به حدی رسیده‌اند که بهمان دامن آن ممکن نبوده‌است. آخرین نمونه این مجادلات چند روز پیش استیضاحات بود. بنی صدر برای تنگنای دادن مطلوبیت خود از یک سو و فشار به جناح مقابل از سوی دیگر، نوارهایی از من گفت و گوی آیت‌الله‌سجویان اسلامی دانشگاه تبریز را از طریق روزنامه‌ی خود "انقلاب اسلامی" منتشر کرد، و ظاهراً پرده‌های از توطئه‌های حرب جمهوری اسلامی علیه خود و "اساس جمهوری اسلامی" برداشت. دست زدن به چنین اقدامی، ورور کردن آن سدی که بنی صدر آنقدر در اطراف آن تبلیغ بر راه انداخته بود، ایجاد دامنه این درگیریها و نیز وخامت اوضاع را به سررئیس‌صدر نشان میدهد. اخبار رسیده حاکی است که حزب جمهوری اسلامی از مدتها قبل طرح سبنا دقیقی را برای بدست گرفتن کامل قدرت بی‌زری کرده‌است.

بنی‌صدر باید آنچنان تحت فشار گذاشته شود که وادار به استعفا گردد. حزب جمهوری اسلامی، سپس حاج احمد خمینی را کاندیدای ریاست جمهوری خواهد کرد. بر اساس ارزیابی حزب جمهوری اسلامی او دارای خصوصیات است که می‌تواند جای بنی‌صدر را به نفع حزب بگیرد، زیرا اولاً ظاهری بی‌طرف داشته و کسی او را متهم به وابستگی به این جناح و آن جناح نمی‌کند. (او را می‌توان حداکثر وابسته به امام امت دانست که البته نه تنها بد نیست بلکه مزیت بسیار برجسته‌ای نیز محسوب میشود) ثانیاً دارای آنچنان شخصیت بارزی نیست که بتواند خود مستقلاً برنامه یا خط مشی ارائه دهد و لاجرم در اختیار باند بهشتی، خامنه‌ای... خواهد بود. برنامه بدینگونه تدوین شده که بعد از روی کار آمدن حاج سید احمد، مدتی بظاهر آزادیهای دمکراتیک به مردم "آهسته آهسته" و تقصیر تمام ناسامانیها بگردن بنی صدر انداخته شود. حسنرتب جمهوری اسلامی امیدوار است بتواند با ایجاد امید بعبیرانی جدید در توده‌های مردم، برای فتنی وضع بحرانی کنونی را تحمل پذیرتر کند.

بنابراین جای شگفتی نیست اگر می بینیم که در هفته‌های اخیر پیوسته در مناصب دولتی تغییر و تبدیلات وسیعی

● آغاز کار مجلس، برخلاف نظر بنی‌صدر با انواع حیل باز هم به عقب می‌افتد.

● دکتر فراچی، سرپرست تعیین شده از جانب بنی‌صدر برای عداوت سبمای جمهوری اسلامی استعفا داده و علت استعفای سارا "تعدد مراکز قدرت" در دستگاه رادیولوژیون ذکر میکنند. رادیولوژیون به قوای سه‌گانه سپرده میشود که دوشای آن در دست حزب جمهوری اسلامی است.

● ابوشریف... بدلیل عدم همکاری فرماندهان سیاه- پاسداران، استعفا می‌دهد.

● "امام امت" از جانب خود سه نفر را مامور شرکت در شوراهای عالی دفاع می‌کند. (فراموش نکنیم که فرماندهی کل قوا قبلاً از جانب خمینی به بنی‌صدر واگذار شده بود).

● شورای تعیین شده از جانب امام برای تهیه طرح "انقلاب فرهنگی" نظر حزب جمهوری اسلامی مبنی بر تعطیل-مل ماندن دانشگاهها تا زمان پیاده کردن طرح جدید را ناپسند می‌کند.

● امام امت و سختگویان جمهوری اسلامی همگی حفظ نهادهای ایجاد شده بعد از انقلاب (جهاد سازدگی- سیاه پاسداران - کمیته‌ها - بنیاد مسضعین و...) را حتی بعد از شروع کار مجلس و انتخاب نخست‌وزیر و هیئت دولت اعلام می‌کنند و به "تعدد مراکز قدرت" که بروزوازی این همه از آن می‌نالد، مهر رسمی می‌زنند.

● از جانب "امام امت" نمایندگان برای شهرت‌سازی و ژاندارمری تعیین می‌شود.

● خمینی نگرانی خود را از اختلافات درونی هیئت حاکمه اعلام می‌کند!

● در تمام تغییر و تحولات روزهای اخیر بنی‌صدر هیچ محلی از اعراب ندارد.

● روزنامه‌ی بنی صدر بعنوان آخرین برگ برنده، برای به عقب راندن حریف متن سخنان آیت‌الله که در آن از توطئه علیه بنی‌صدر و کنار گذاشتن او سخن رفته است منتشر می‌کند.

* * *

با در کنار هم قراردادن وقایع و اظهار نظرهایی که در روزهای اخیر شاهد آن بوده‌ایم، می‌توان تصویری کلیسی از وضعیت سیاسی فعلی کشور بویژه در زمینه کشمکش‌های درونی هیئت حاکمه بدست داد.

درگیریهای بین جناحهای هیئت حاکمه، که از ابتدای بدست گرفتن قدرت در حاکمیت جمهوری اسلامی آغاز شده بود، اکنون به نقطه‌ی اوج خود نزدیک میشود. حزب جمهوری اسلامی

بفوق می‌پیوندد. تمامی این تغییرات و انتخابات تازه با توافق با به دستور صریح خمینی بوده و برخلاف ظاهر "بیطرف" آن آشکارا نشان از حمایت گسترده خمینی از حزب جمهوری اسلامی و جناح های وابسته بدان دارد. هم اکنون میتوان با احتمال قریب به یقین گفت که بنی صدر با وجود کوشش برای حفظ چهره "دولتمردی با قدرت" در هیچیک از نهادهای دولتی، نقش تعیین کننده‌ای ندارد. چند پست و مقامی هم که تاکنون اینجا و آنجا برای بازپس گرفتن جزئی از قدرت از دست رفته به اعوان و انصار تفویض کرد نتوانست گرهی از مشکلات او بگشاید.

از آغاز سال جدید حزب جمهوری اسلامی در ابتدای امر برنامه "انقلاب فرهنگی" را با حمله به دانشگاهها و اشغال آنها طرح ریزی کرد ولی بنی‌صدر که "...یک زرتگی دارد که زود انعطاف پذیر است و خودش راهها هنگ با جریان نشان میدهد" (از نوار سخنان آیت) این نقشه را تا حدودی بدون درگیری مستقیم در ماریج توطئه‌های حزب جمهوری اسلامی پشت سر گذاشت. اما توطئه علیه بنی صدر هم چنان ادامه می‌یابد. برای تدارک همه جانبه تر این توطئه:

کمیته‌ای با شرکت دکتر مظفر بقائی، دکتر حسن آیت - سرلشکر فردوست و سرنویس کاوه تشکیل میشود. بقائی رهبر "حزب زحمتکشان ملت ایران"، یکی از عمال دست نشانده و مهره‌های با سابقه امپریالیسم انگلیس و از دشمنان قسم خورده نهضت ملی شدن نفت در زمان مصدق است. دکتر حسن آیت نظریه پرداز سیاسی، نظامی حزب جمهوری اسلامی و ریئیس کمیسیون سیاسی این حزب - جانب‌شورای مرکزی آن یکی از طرفداران سر سخت آیت‌الله کاشانی و مخالفان مصدق به‌شمار آمده مدتها قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از اعضای برجسته "حزب زحمتکشان ملت ایران" بوده است. او در زمان حکومت دکتر مصدق، با روزنامه‌ی "شاهد" ارکان حزب بقائی همکاری می‌کرده و مطالبی علیه دکتر مصدق می‌نوشت. و از سال ۳۲ تا ۴۱ نیز با بقائی همکاری می‌کرد. پس از انقلاب نیز آیت‌الله با اینکه ظاهراً حزب را عوض کرده و به حزب جمهوری اسلامی پیوسته به ولی به‌منی سابق مشروعه طلبی، ضدیت با کمونیستها، و طرفداران دکتر مصدق و آیت‌الله طالقانی را ادامه داده و از طرفداران هدی آیت‌الله منتظری است. سرلشکر فردوست از سردبکرین افراد به دربار رژیم پهلوی و شخص شاه بوده و مقام اول امنیتی و چهره بست برده رژیم گذشته بود. وی نظارت عالی بر سازمان بازرسی شاهنشاهی، ساواک و رکن ۲ ارتش را داشت و مخوف‌ترین و مرموزترین مهره امپریالیسم بود. سرلشکر فردوست به‌مراه قره‌باغی مدد کوناه‌ی قبائل از قیام، زمانیکه هواریس دیدند به "تارده انقلابی شده‌ها" پیوستند و به دستور امپریالیسم حبه را عوض کردند. سرنویس کاوه رئیس اداره هختم ساواک مسئول طرح و برنامه ریزی، افسر توده‌ای سابق و ار گردانندگان محله عبرت بوده است.

این کمیته که در سلطنت آباد تشکیل شده، برنامه ریزی تمام عملیات تهاجمی حزب جمهوری اسلامی علیه مخالفان را چه بصورت سرکوب و بسیج جادوکارها و چه طرح و اجرای توطئه‌ها بجهت در هبات طرح، برنامه‌های افشاگرانه "سیاسی و ثنوریک"

بعهد دارد.

بعبارت دیگر این افراد "عمله ظلم حزب جمهوری اسلامی هستند. کارشان طراحی، مانور و توطئه در سطح کشوری است. سوء استفاده از "انتخابات" های مختلف، طرح توطئه‌های قدیم و جدید علیه بازرگان و بنی صدر و سایر مخالفین حزب جمهوری اسلامی با این تیم است. این تیم مغز جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد. مهمترین بازوی آن کمیته سلطنت آباد است. کمیته‌ها و جهاد سازندگی و... ابزار اجرایی آن هستند. بازرگان فعلاً مرحوم شده است. نبوت، نبوت بنی‌صدر است.

بنی‌صدر میدانند که حزب جمهوری اسلامی با انجام نسی و تشکل سرتاسری و همچنین بدست داشتن اهرم‌های قدرت چه در کوتاه مدت و چه در درازمدت نسبت به او از موضع قدرت برخوردار است او امیدوار بود که با جلب حمایت بخشی از روحانیت (که آنان نیز از رشد قدرت بدلیل باندبازیهای درونی‌شان، سرشان بی‌کلاه مانده) طرفدار خود، و مردم، مردمی که زمانی "برنامه‌ی" او را تنها شانس حل نسبی مشکلاتشان میدانستند، این کمبود را جبران کند. تشکیل "دفترهما هنگی‌های مردم بارئیس جمهور" و تشکیل کنگره قبل از انتخابات مجلس برای تعیین کاندیدا، کوشای از این تلاشها بود. بنی‌صدر که رای "۷۶" درصدی مردم برای انتخابش را فقط و فقط حاصل هوش سرشار و شخصیت بی‌تظیر خود میدانست! و در ابتدا دون -

کیشونوار به همه کس و همه چیز می‌تاخت و دائماً "علم و دانش" بی‌بدلش را به رخ خلق الله می‌کشد، باین زودی دریافت که بر خلاف رویاها و تصورات ذهنی، نه ان بلبل زبانی‌ها اثری دارد و نه شاخ و شانه کشیدنها و شمشیرازروستیها. او هم باید دست بکار می‌شد. شاید جلب همکاری مجاهدین خلق و بی‌اثر کردن آنها را در مدت چند ماهی که از انتخابات وی در این پست میگذرد، موفق‌ترین ترفندی باشد که تاکنون به کار بسته است به این برنیاد و بخشی از کمبود خود را که از فقدان یک سازمان متشکل (به عنوان پشتیبان وی) ناشی می‌شود، با حدودی والیه موقتا جبران کرد. اما فشارها نه تنها ادامه می‌یافت بلکه بیش از پیش شدت می‌گرفت. لازمه موفقیت این پلان‌ها افزودن جاشنی مظلومیت بود، این کار نیز صورت گرفت. روزنامه ویژه بنی‌صدر ناکهان (وسرانجام) من سواری را که آهسته در اطراف آن تبلیغ شده بود منتشر ساخت.

بنی‌صدر و اطرافیان انتظار داشتند که با استوار این سد جان خو مساعدی در جامعه به نفع آنها بوجود آید که تمامی نقصان های دیگر را جبران کرده و حزب جمهوری اسلامی تحت فشار افکار عمومی مجبور به عقب‌نشینی در برابر بنی‌صدر شود. لیکن عکس العمل حزب (بظهور حزب و حمله به آیت‌الله از جانب سران حزب جمهوری تحت این عنوان که این سخنان سخنان شخصی او بوده و...)، سکوت مطلق رادیو و تلویزیون در این خصوص، برگرداندن جهت حمله از وانسکان حزب جمهوری اسلامی بسوی بنی‌صدر و متهم کردن او به نفرت افکنی در شرایطی که امام امت طلای وحدت در داده است، و غیره سب شد که این افشاگری چنان که باید و شاید موثر واقع نشود. بنی‌صدر و حزب جمهوری هر دو برای حفظ کرسی های بدست آمده،

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان؛ انقلابی دگر باید

در جلسه شورای انقلاب اعلام آتش بس کرده، میثاق وحدت بسا یکدیگر بستند. آنها بار دیگر به این نتیجه طبیعی و بدیهی رسیده بودند که این " خلقیون و کمونیست ها " هستند که کار-شکنی میکنند. شایعه پراکنی میکنند، دروغ میگویند و بسنی بوجود میآورند - و نه آقای آیت و حزبش و یا آقای بسنی صدر.

افسانه‌گری آقای بسنی صدر ظاهراً به نفع هیچ طرفی تمام نشده بود و باید به نحوی پایان میگرفت. در واقع جریان و فایع باید طوری پیش میرفت که قضیه به نفع دو طرف ماجرا و به ضرر مردم تمام میشد. اما این تنها ظاهر قضیه است. آنچه در بطن جریان میگذرد و شاید در همه لحظات مسلسل زودت نشاند ادامه مبارزه است. کاملاً طبیعی است که این مبارزه همچنان و با همان شدت تا آنجائی ادامه یابد که بسنی صدر و آدار به استعفا نده و میدان را برای رفیق جانی کند. در این صورت، بورژوازی، در رو در روشی باخبرده - بورژوازی اجباراً " این شکست موقتی را پذیرفته و باید منتظر فرصتهای بعدی بنشیند. او از این نکته آگاه است که خرده - بورژوازی، باید با مشکلات اقتصادی و سیاسی دست و پنجه نرم کند، که از هیچ نظر، توان آراء ندارد. بسا برای بسنی عقب نشینی او بهر حال موقتی خواهد بود. نق دگر و غیر محتمل تر است که بسنی صدر به تمام فشارهای مخالفین داده بر کردگی آنها را بدبیرفته و فقط به حفظ کرسی ریاست جمهوری تنگ کند، که در این صورت هم بسا و - حمدانی در نحوه تقسیم قدرت بین جناحهای مختلف بوجود نیامده و تسلط جناح

بهشتی - تامه‌ای - ... حفظ خواهند.

روشن است که هیأت حاکمه و جناحهای مختلف آن در مورد سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی، سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان و گسترخلفیهای تحت ستم، حفظ و تحکیم حاکمیت خود اتفاق نظر دارند. در مقابل اما آنچه در شرایط کنونی برای نیروهای انقلابی کمونیست و سازمانهای مترقی اهمیت دارد، افشای ناتوانیهای هیأت حاکمه در پاسخ به خواستههای بحق زحمتکشان، و افشای دسیسه‌ها

و اهداف آنها است. اگر نه جزئیات رویدادهای آتی، دستکم خطوط خطوط کلی آن ارهم اکنون روشن است. در درازمدت، خرده بورژوازی محور خواهد بود با بورژوازی کنار آمده و بسنه نوعی تقسیم کار با وی تن در دهد. وظیفه جپ، نه در حمایت از این یا آن جناح بلکه اتخاذ جهت درست در قبال آن و تلاش در راه تبلیغ هدفهای زحمتکشان جامعه و سازماندهی آنها است. از این رو چنانچه نیروهای بخوانند در این مبارزه قدرت یه‌ارزیابی (و داوری) بد و بدتر بنشینند یکمراه بسنه خطا رفته‌اند.

●